

سخنان رضاشاه کبیر به فرج الله بهرامی

همه چیز را می شود اصلاح کرد. هر زمینی را می شود اصلاح نمود. هرکارخانه ای را می توان ایجاد کرد. هر مؤسسه ای را می توان بکار انداخت. اما چه باید کرد با این اخلاق و فسادى که در اعماق قلب مردم ریشه دوانیده، و نسلأ بعد نسل برای آنها طبیعت ثانوی شده است؟

سالیان دراز و سنوات متمادی است که روی نعل این مملکت تاخت و تاز کرده اند. تمام سلول های حیاتی آنرا غبار کرده، به هوا پراکنده اند و حالا، من گرفتار آن ذراتی هستم که اگر بتوانم، باید آنها را از هوا گرفته و به ترکیب مجدد آنها بذل توجه نمایم. اینهاست آن افکاری که تمام ایام تنهائی مرا به خود مشغول، و يك ساعت از ساعات خواب مرا هم اشغال کرده است..... هیچ چیز در این مملکت درست نیست. همه چیز باید درست شود. قرنهای این مملکت را چه از حیث عادات و رسوم، و چه از لحاظ معنویات و مادیات خراب کرده اند. من مسئولیت يك اصلاح مهمی را، بر روی يك تل خرابه و ویرانه برعهده گرفته ام. این کار شوخی نیست و سرمن در حین تنهائی، گاهی در اثر فشار فکر در حال ترکیدن است.